

گفت و گو با یقیم رضوان



اشاره:

دکتر یقیم آناتولیویچ رضوان، مسیحی

ارتدکس و یکی از محققان مطالعات اسلامی و

قرآن پژوهان روسی است. وی در سال ۱۹۸۴ موفق به اخذ

دانشنامه دکتری شد. از آثار وی می توان به قرآن و دنیای آن، کشتی های

روسی در خلیج، حج - صد سال پیش و اسب عربی در روسیه اشاره کرد. علاوه بر آثار

مکتوب، یقیم رضوان در کنفرانس های زیادی شرکت داشته و مقالات و سخنرانی هایی در زمینه

مطالعات اسلامی ارائه داده و به دریافت جایزه های از دانشگاه سوگو (توکيو ۱۹۹۱). مدال طلا از پادشاه عربستان (الریاض

۱۹۹۹)، جایزه پولی کمیته مسلمانان آسیا (تاشکند، ۱۹۹۸) نایل شده است. گفتنی است که کتاب قرآن و دنیای آن از

طرف سازمان فرهنگی ملل متحد «یونسکو» به دریافت جایزه مفتخر شده است. همچنین این کتاب از طرف کتاب سال

جهانی جمهوری اسلامی ایران بعنوان کتاب برگزیده سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲م) انتخاب شده است. کتاب قرآن و دنیای آن، به

طور کلی به بررسی و توصیف قرآن مجید و تأثیر آن در جوامع اسلامی و حیات مسلمانان می پردازد و پژوهش ها و

تحقیقاتی را که از گذشته تا به حال درباره این کتاب آسمانی در شرق و غرب صورت گرفته مورد مذاقه قرار می دهد.

قرآن و دنیای آن با سرگذشت نبی مکرم اسلام (ص) آغاز می شود. در این فصل رخدادها و حوادث صدر اسلام (قرن

هفتم میلادی) در شبه جزیره عربستان بررسی می شود؛ حوادثی مانند مبعوث شدن پیامبر (ص)، دین جدیدی به نام

اسلام و...

در فصل دیگر این کتاب به توصیف و شرح آموزه های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی دین اسلام و جامعه اسلامی

می پردازد و مسیر حرکت آموزه های اسلامی را در طول تاریخ اسلام بررسی می کند. در این بخش یقیم رضوان درباره

موضوع نگارش تفسیر و عرصه علوم قرآنی از دیرباز تا دوره معاصر و معرفی مفسران قرآن و تاریخ تفسیر بحث می کند.

نویسنده بر این باور است که در نتیجه گسترش اسلام، زبان عربی نیز از شبه جزیره عربستان خارج شد و روش

نوینی در نگارش ایجاد کرد که بیانگر غنای تمدن و فرهنگ اسلامی است.

در فصلی دیگر از کتاب موضوع تعامل و برخورد پیروان ادیان دیگر به ویژه مسیحیان با قرآن کریم مطرح می شود و

تاریخ نهادها و مؤسساتی که به پژوهش، ترجمه و نشر قرآن مجید در اروپای غربی و روسیه فعالیت دارند، می پردازد.

می گوید: کاترین کبیر امپراتوری روسی بیانیه ای مبنی بر چاپ قرآن به زبان عربی صادر کرد تا میان مسلمانان امپراتوری

روسیه به صورت رایگان توزیع شود.

یقیم رضوان در این کتاب سعی کرده است تا این اثر به عنوان کتابی مرجع در موضوع اسلام ارائه شود. وی از منابع

و آثار مختلف از جمله نسخه های خطی و نوشته های متعددی که طی سفرهای خود به دست آورده، بهره برده است.

اینک به گفت و گویی با ایشان که در فرصت اندکی قبل از رفتن ایشان به روسی دست داد، توجه خوانندگان را جلب

می نماییم. دکتر رضوان مدعی است که قدیمی ترین نسخه قرآن به خط عثمان بن عفان، خلیفه سوم را یافته و حتی

بقایای تاریخی و آثار خون وی بر روی این نسخه هویدا است. وی علاوه بر کار بر روی نسخ قرآن، هم اکنون با حمایت

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو به ترجمه نهج البلاغه به روسی مشغول است. نهج البلاغه برای اولین

بار به روسی بازگردانده می شود و این افتخار نصیب یقیم رضوان شده است.

مطالعات و پژوهش های اسلامی در روسیه و آسیای مرکزی



اخیراً شما قدیم‌ترین قرآن خطی را پیدا کرده‌اید. لطفاً درباره آن توضیح دهید. خصوصیت آن چیست و چه سرگذشتی داشته است؟

این نسخه واقعاً نسخه منحصر به فردی است و مسلمانان در طول قرون آن را به عنوان اولین نسخه قرآن بازسازی کرده‌اند و درحقیقت قدیمی‌ترین نسخه موجود از قرآن است که رد تاریخی آن در متون مستتر است. بسیار خوشحالم که این نسخه را مطالعه کرده‌ام و افتخار احیای دوباره آن نصیب من شده است. در مجموع، دانسته تاریخی ما از اولین نسخه‌های خطی قرآنی، همین نسخه منحصر به فرد است که از آغاز دوره وجود قرآن به جا مانده است. آرزو دارم که خیلی زود در

کتابی این نسخه را مطرح کنم تا خوانندگان روسی و انگلیسی از آن آگاه شوند. این نسخه نقطه عطف تاریخ و انسان و نتیجه تحقیقات علمی اینجانب است.

این نسخه را کجا یافتید؟

اولین قسمت آن را در مجموعه نسخه‌های خطی موسسه شرق شناسی سن پترزبورگ یافتیم و قسمت کوچکی از آن را در خانقاه چشتیه در ازبکستان و قسمت دیگر آن را در کتابخانه موسسه مطالعات ازبکستان در تاشکند و قسمتی از آن را در کتابخانه بخارا یافتیم و این مجموعه‌ها را کنار هم گذاشتم و در حال حاضر همه آن موجود است.

سرگذشت تاریخی این نسخه چگونه بوده است؟

اشخاصی نیمی از این نسخه را در اواخر قرن نوزدهم یافتند که دیپلمات‌های روسی خریداری کردند. اما قسمت دوم را پسر امیر بخارا خریداری کرد و بخشی از آن را نیز دیوان عالی قضای بخارا خرید و بدین ترتیب دو قسمت از این نسخه کنار هم گذاشته شد. هم‌اکنون نسخه کامل آن را بنده یافتیم. این نسخه را عثمان عفان تحریر کرده است.

یکی از آثار مهم شما قرآن و دنیای آن است که اخیراً به چاپ رسیده است درباره این اثر توضیح دهید؟

این اثر درباره تاریخ عرب در زمان پیامبر (ص)، چه از جنبه زبانی و چه از جنبه تاریخ دینی است. همچنین به موضوع سنت آغازین اسلامی و اسلام عرب می‌پردازد. از موضوعات دیگری که در این کتاب مورد مذاقه قرار گرفته تاریخ نسخه‌برداری از قرآن و تاریخ مطالعات قرآنی در اروپا و موضوع تاریخی چاپ و ترجمه و متن قرآن است که می‌توانم بگویم در این موضوع مطالعات کاملی داشته‌ام.



ضمن تشکر از جناب عالی که دعوت کتاب ماه را پذیرفتید. لطفاً زندگی‌نامه خود را بفرمایید.

من در سال ۱۹۵۷ میلادی در خانواده‌ای روسی‌تبار به دنیا آمدم. تحصیلات مدرسه‌ای خود را در رشته زبان انگلیسی به اتمام رساندم بعد از آن در موسسه شرق شناسی سن پترزبورگ تحصیل کردم. سپس تا ۱۹۸۰ در دانشگاه لنینگراد در رشته صرف و نحو عربی مشغول به تحصیل شدم و در عرض سه سال رساله دکتری خود را در رشته مطالعات اسلامی نوشتم. سپس دوباره به موسسه شرق شناسی سن پترزبورگ برگشتم و این بار در این مؤسسه به تدریس مشغول شدم.

آیا در حال حاضر در دانشگاه تدریس دارید، در چه رشته‌ای؟

بله در دانشکده فلسفه در رشته مطالعات اسلامی و مطالعات قرآنی در فرهنگ و فلسفه اسلامی و تفسیر قرآن و سنت استنساخ قرآن.

می‌دانیم که معاون موسسه شرق شناسی سن پترزبورگ هستید؛

لطفاً درباره این موسسه توضیح دهید

این مؤسسه در ۱۸۸۰ م. به عنوان موزه آسیایی منابع علمی روسیه تاسیس شد و در سال‌های اخیر تصمیم گرفت نسخ خطی را جمع‌آوری کند. سیاست دولت روسیه بسیار جدی و روشن بود که نسخ خطی را از همه جای دنیا خریداری و به این مؤسسه منتقل کند. سفارت روسیه در همه کشورهای نسخ خطی را یکی بعد از دیگری خریداری کرد و هم‌اکنون یکصد هزار نسخه خطی به شصت زبان شرقی در این مؤسسه وجود دارد. قسمت عمده این مجموعه متعلق به اسلام است که دست کم بیش از بیست هزار نسخه است. علاوه بر این مجموعه نسخ خطی، کتاب‌های مهم بسیاری در بایگانی این مؤسسه وجود دارد. تا به حال چندین نمایشگاه برپا کردیم که در آن مجموعه‌های نسخه‌های خطی خود را ارائه داده‌ایم. یکی از موفق‌ترین این نمایشگاه‌ها نمایشگاه نسخه‌های خطی اسلامی در زمینه خطاطی در پاریس بوده است که سی هزار نفر از آن دین کردند. در نمایشگاه نیویورک هفده هزار نفر برای دیدن آمدند، نمایشگاه سوئیس نیز یکی دیگر از نمایشگاه‌های موفق بود. در مؤسسه شرق شناسی سن پترزبورگ هزار محقق کار می‌کنند که هرکدام در جنبه‌های مختلف رشته‌های تاریخ، دین، زبان‌شناسی و فلسفه تحقیق می‌کنند. پهنه تحقیق این محققان در عرصه قاره آسیا، آفریقا تا ژاپن و روسیه و سیبری تا هند گسترده است.

را دارند. در حال حاضر در طرح بزرگ دایرةالمعارف قرآن مشغول همکاری هستیم که در این دایرةالمعارف مهمترین مداخل مطالعات اسلامی جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد و هم‌اکنون جلد چهارم آن به اتمام رسیده و جلد نخستین آن به چاپ رسیده است. اساس کار این دایرةالمعارف ترجمه‌های قرآنی است که دو جنبه مطالعات قرآنی روسی و ترجمه‌های روسی را بررسی می‌کند اما من سعی دارم نشان دهم که ترجمه‌های انگلیسی و فرانسوی و آلمانی نیز از محورهای اصلی کار است و این سطحی از تحقیق است که بازتاب مطالعات قرآنی را در این دایرةالمعارف نشان می‌دهد.

چه کسانی در روسیه در این زمینه کار می‌کنند؟

فکر می‌کنم محققان زیادی در روسیه کار می‌کنند. اولین اشاره من به محققانی است که در سن پترزبورگ، مسکو و دیگر دانشگاه‌ها مشغول پژوهش‌اند. مرکز مطالعات قازان در تاتارستان دومین اشاره من است که در آنجا محققان در زمینه‌های مطالعات قرآنی و پژوهش درباره مسلمانان کار می‌کنند و نتیجه تحقیقات آنان به صورت کتاب چاپ می‌شود.

آنان را می‌شناسید؟

آنها را می‌شناسم و کارمان تنگاتنگ است اما اهداف مطالعه‌ای و ابزار کارمان متفاوت است و تبعاً حاصل کار من با کار آنها متفاوت است.

آسیای مرکزی یکی از مناطق اسلامی است که طی دوران اسلام در عرصه پژوهش‌های اسلامی فعال بوده، در سال‌های اخیر وضعیت پژوهش در این منطقه چگونه بوده است؟ آسیای مرکزی یکی از بزرگترین منابع اسلامی و تمدن اسلامی است برای مثال شهر بلخ مرکز اسلام بوده است؛ یا شخصی مانند زمخشری که در کل آسیای مرکزی مطرح بوده است حاصل کتاب‌های تفسیری در آسیای میانه، به نوعی با این شخصیت ارتباط دارد. آنچه که بسیار اهمیت دارد حمایت دولتی از مستشرقان روسی است که آنها را به ادامه مطالعه و تحقیق بر روی قرآن متمرکز کرد. یکی از این مستشرقان حسام‌الدین عجیاب است. وی در پاکستان تحصیل کرد و تدریس وی در زمینه اسلام بود. وی درباره دستگاه خوجه‌ها مطالعه کرد و در ۱۹۷۰ م. مطالعات خود را در زمینه عقاید مسلمانان روسی درباره امام آغاز کرد. در این میان ردپای سنت اسلامی به معنای مسلمانان اهل سنت و اسلام صوفیانه وجود داشت؛ اهل سنتی که تحت‌تأثیر عقاید وهابی قرار داشتند.

حضرت عالی‌علاوه بر آن که درباره قرآن تحقیق و

با توجه به این که شما درباره قرآن پژوهش‌های وسیعی داشته‌اید نظرتان درباره ترجمه قرآن در روسیه چیست؟

ترجمه قرآن در روسیه به ترجمه قرآن در غرب اروپا وابسته است البته ترجمه‌های متفاوتی نیز ارائه شده است برای مثال، ترجمه‌های روسی از قرآن در اواخر قرن نوزدهم بیشترین تأثیر را از ترجمه‌های ترکی گرفته‌اند. بهترین ترجمه‌های روسی براساس منابع ترکی است به خصوص منابعی که در زمان عثمانی به چاپ رسیده است. ژنرال بولگوووسکی، دبیر سفارت روس در استانبول، بسیاری از این منابع را تهیه کرد. قبل از انقلاب روسیه مسیحیان ارتدکس نیز در زمینه چاپ منابع اسلامی بسیار کوشیدند. مستشرقان روسی نیز ترجمه‌هایی از قرآن ارائه داده‌اند. این گروه

علاقه‌مند بودند متن قرآن را بازسته متن کتاب مقدس نشان دهند. از ترجمه‌های دیگر قرآن می‌توان به متن ترجمه پرفسور سابلوکوف قازانی، اشاره کرد. این متن مانند متن‌های مستشرقان است و بنده می‌توانم نقاط مشترک و مشابه آن را با ترجمه متن‌های اروپایی نشان دهم. یکی از شاخص‌های ترجمه وی را می‌توان ترجمه سیاسی نامید. ترجمه کراچکفسکی را می‌توان یکی از ترجمه‌های واقعی دانست که کاملاً جنبه‌های تقدس قرآن را دربردارد. ترجمه بلاشر را نیز می‌توان به همین گونه ارزیابی کرد. بطور کلی وضعیت مطالعات اسلامی در روسیه چگونه است؟

همان‌طور که می‌دانید، مطالعات اسلامی شاخه‌های متعددی دارد. در اواخر قرن بیستم، ادبیات خاصی ایجاد شد و زبان انگلیسی یکی از محورهای اصلی مطالعات شخصی قرار گرفت. در حال حاضر کتاب‌های بسیاری در زمینه زبان‌شناسی قرآن، تفسیر و مانند آن در کتابخانه‌های ما وجود دارد که استفاده از آنها خاص انگلیسی‌دان‌هاست.

اگر بخواهیم ترجمه‌های بیشتری از قرآن در زمان معاصر داشته باشیم، نیازمند محققانی هستیم که قرآن را به عنوان یک شاهکار ادبی نشان دهند. یعنی همان‌طور که بطن معنایی عربی را حفظ می‌کند، نکات تاریخی را در ترکیبی مجزا از هم و در عین حال پیوسته ارائه دهند. این صرفاً یک آرزوست و در حال حاضر این مرتبه، در ترجمه قرآن در روسیه، اروپا و آمریکا محقق نشده است.

ما اعضا و محققان زیادی داریم اما نمی‌توانم بگویم که این افراد به تنهایی توانایی چنین ترجمه‌ای

ادبیات خاصی تشویق کرد. و من به همراهی گروهی از محققان، نهج البلاغه را با کمک متن‌ها و شروح عربی و فارسی ترجمه می‌کنم. درحقیقت اگر کمک این دوستان نبود، به تنهایی نمی‌توانستم به این کار دست بزنم. تمام تلاش من آن است که ترجمه روسی خوبی انجام شود و بعنوان منبع شناخته شود. اما درحقیقت فرصتی برای مقایسه لغت به لغت با متن عربی و مقایسه منابع دیگر در یک زمان نیست و این خود مطالعه خاصی را می‌طلبد. در فارسی منابع بسیاری را می‌توان در مطالعه نهج البلاغه استفاده کرد، اما در روسی این منابع یافت نمی‌شود و ما

نمی‌توانیم فرصت را از دست بدهیم. به هر حال این ترجمه روسی از نهج البلاغه آغاز راه تحقیق بر روی این کتاب سترگ است. در ابتدای راه، فرد باید پله اول را بسازد، در حالی که هنوز سؤالات بسیاری وجود دارد که محققان بعدی باید به آنها پاسخ دهند. من نخستین پله را بنا کرده‌ام و قطعاً این کار نقد نیز خواهد شد. اما درحقیقت این کار باید انجام می‌شد تا زیربنایی برای ترجمه نهج البلاغه باشد. در نظر دارم در کارهای بعدی به جنبه‌های زبانشناسی و دیگر پهنه‌های کار ترجمه بپردازم.

مردم روسیه در حال حاضر چه میزان به نهج البلاغه اقبال دارند؟

در حال حاضر مردم روسیه فقط این اثر سترگ را در حد نام می‌شناسند. تا آنجا که می‌دانم مسلمانان روسیه چیزی درباره نهج البلاغه نمی‌دانند، حتی شیعیان و درصد کمی از سنیان نام نهج البلاغه را می‌شناسند. اما بعد از ترجمه بسیاری از مردم با نهج البلاغه آشنا خواهند شد. اما برای من، هم ترجمه این کار بسیار مهم است و هم اینکه مردم از جزئیات این اثر خیردار شوند.

برای این که این کتاب را به مردم بشناسانید چه کارهایی انجام می‌دهید؟

برای آن که مردم را از این اثر آگاه کنیم بهترین ابزار تلویزیون است شبکه‌ای به نام شبکه فرهنگ داریم و بسیار مایلیم فیلمی درباره نهج البلاغه تهیه کنیم، البته با کمک ایران که در این شبکه پخش شود. به پرسش‌هایی درباره سنت و موارث این کتاب پاسخ داده شده. سؤالاتی از این قبیل که نهج البلاغه چیست؟ در چه زمان نوشته شده و کجا مورد اقبال قرار گرفته و چگونه مردم به

مطالعه داشته‌اید، اخیراً مشغول ترجمه نهج البلاغه هستید. آیا نهج البلاغه در جامعه روسیه زمینه‌ای دارد؟

این مسئله داستان عجیبی است. هیچ‌کس درباره نهج البلاغه حتی یک کلمه نمی‌دانست. زمانی که دانشجو بودم، هیچ چیزی درباره آن نمی‌دانستم و سال‌ها گذشت تا روزی به طور ناگهانی در یکی از کتاب‌های امام خمینی (ره) اولین نقل قول از نهج البلاغه را در زندگی تحقیقاتی خود دیدم. ایشان به نهج البلاغه ارجاع داده بودند. سؤالی برایم ایجاد شد که این چیست. بعد از آن، این کتاب را در ارجاعات کتاب‌های دیگر به طور مرتب

می‌دیدم. برایم سؤال بود که آیا این واقعاً یک منبع علمی است یا نه. اگر هست پس چرا هیچ چیز درباره آن نمی‌دانم و در کتاب‌های روس‌ها و اروپاییان هرگز مطلبی درباره آن ندیده‌ام. اگر شخصاً معتقد باشیم که این کلمات امام علی (ع) است منبع بسیار مهمی خواهد بود و هیچ نوشته‌ای درباره تاریخ نخستین اسلام بدون نهج البلاغه کامل نیست. چرا این سهو در بیشتر نوشته‌های مورخان اسلامی معاصر فرانسوی و روسی رخ داده است و هیچ یک از آنها به نهج البلاغه ارجاع نداده‌اند؟ این سؤالی است که برایم مطرح است و نمی‌توانم بدان پاسخ دهم. فهرستی از زبان‌های غربی درباره نهج البلاغه تهیه کردم. براساس این فهرست، کتاب‌های فرانسوی هیچ ارجاعی به آن نداده بودند. برای یکی از دوستانم نامه نوشتم و درخواست کردم که برای من درباره نهج البلاغه کتابی بیابد. می‌دانستم که این کتاب‌ها در موزه یافت می‌شود. سرانجام چند کتاب یافتیم این سفر طولانی برای من بسیار جالب بود.

با یافتن نهج البلاغه، نسخه‌ای از آن را در مطالعات قرآنی خود لحاظ کردم و به خواندن نسخه عربی آن مشغول شدم در ضمن این مطالعه، به لغاتی برخورد می‌کردم که نیاز بود آن‌ها را بیابم. هرچند که پایان‌نامه دکتری من در زمینه زبان قرآن بود اما برای زبان نهج البلاغه نیز به تحقیقات خاصی نیاز داشتم. در مقام مقایسه لغات و عبارات نهج البلاغه را چون عبارات پیامبر یافتیم و یقین دارم که در این متن معانی قرآنی بازیافت شده‌اند.

آقای مهدی سنایی کسی بود که مرا در این راه با

در حال حاضر مذاهب زیادی هست. اما بیشترین آنان طریقتی‌ها هستند که از طرفداران مولا علی‌اند و در فقه از ابوحنیفه پیروی می‌کنند. از مذاهب اهل سنت شافعیان بیشترین طرفدار را دارند. احمدیه یکی دیگر از فرق اسلامی است. این فرق ترجمه‌ای از قرآن نیز به چاپ رسانده‌اند.

وضعیت فرقه‌های دیگر شیعه مانند زیدیه چگونه است؟
همانطور که گفتیم ده درصد از جمعیت شیعه است و این تعداد بسیار بسیار کم است. از پراکندگی داخل فرقه‌ای اطلاع چندانی ندارم.

سوال دیگر من درباره وضع و شرایط ناشرانی است که در عرصه اسلامی فعالیت می‌کنند، آثار آنها از نظر کمی و کیفی چگونه است؟
تعداد ناشرانی که در عرصه اسلام فعالیت می‌کنند بسیار زیاد است. کتاب‌های من در موضوع قرآنی توسط انتشارات دانشگاهی به چاپ رسیده است. بسیاری از ناشران موضوعات اسلامی در تاتارستان حضور دارند. البته در مسکو هم هستند که از تعداد آنها خبری ندارم. کتاب‌های بسیاری در روسیه چاپ می‌شوند که جنبه عمومی دارند اما به نظرم ده درصد از کتاب‌ها به موضوع مطالعات اسلامی مربوط است.

وضع نشر قبل از انقلاب چگونه بود؟
قبل از انقلاب محققان مسلمان بزرگی داشتیم. کسانی که دانش را حفظ کردند و سن پترزبورگ را احیا کردند و آثارشان منبع بسیاری از کارهای محققان دیگر شد. در زمان انقلاب ایجاد احزاب سیاسی بلشویک و منشویک و پیروی از این احزاب و آتش جنگ‌های داخلی اوضاع را دگرگون کرد و نهضت استالین در ۱۹۳۷ م. موجب درگیری‌های فراوان شد. نزاع روشنفکران ارتدکس و بلشویک که نزاعی در فضای روشنفکری بود نتایج مطلوبی برای اسلام داشت، زیرا اسلام در روسیه همه اندیشه‌ها را در خود جمع کرد و افراد تحصیل‌کرده برجسته‌ای به وجود آمدند. فضا چنان بود که حتی افرادی برای تحصیل به روسیه آمدند.

تاتارستان یکی از شهرهای مهم انتشارات اسلامی بود و کتاب‌های بسیاری در آنجا به چاپ رسید. غالب این کتاب‌ها در مؤسسه سن پترزبورگ و موزه آسیایی وجود دارد. در حقیقت هر کتابی که در روسیه به زبان‌های عربی، فارسی و تاتاری چاپ می‌شد در این کتابخانه‌ها نگهداری می‌شد.

آن پیوسته‌اند. در حال حاضر مطلب زیادی نمی‌دانیم. حتی خود من نمی‌دانم که جایگاه نهج البلاغه در میان متون کجاست. فقط می‌دانم که متنی بسیار سترگ است و وقایع تاریخی‌ای را که بر سر این متن آمده است نمی‌دانم و فقط زوایاتی را که پیرامون آن است شنیده‌ام. می‌خواهم همه چیز را درباره آن بدانم و به هر وسیله‌ای که شده اطلاعات خود را با مردم جهان تقسیم کنم. بعد از اتمام ترجمه، این کار را قدم به قدم انجام خواهم داد.

به طور کلی، چه تعداد از مردم روسیه به کارهای کلاسیک اسلامی علاقه‌مندند؟

به نظرم همه مسلمانان روسیه به کارهای کلاسیک اسلامی علاقه‌مندند. برای مثال به ترجمه‌های بنیادین منابع اسلامی چون سیره ابن اسحاق و ابن هشام توجه دارند. بعضی از این آثار نیز باید ترجمه شوند مانند اربعون الحدیث. که ترجمه بسیار بدی از آن موجود است. مسلمانان بنیاد یا مؤسسه‌ای ندارند که این متون را ترجمه کند اما بخش‌هایی هستند که این کتاب‌ها را می‌یابند و ترجمه می‌کنند ولی متأسفانه ترجمه‌های بسیار بدی ارائه می‌دهند. در دهه معاصر و دهه‌های گذشته آثاری از منابع کلاسیک مسلمانان ترجمه شده است. مثلاً قسمت اعظمی از سیره‌های نبوی ترجمه و چاپ شده‌اند. به نظر من باید قدم به قدم جلو رفت و با ترجمه‌های خوب، خواننده روسیه را با این آثار آشنا کرد تا حق مطلب ادا شود و اهمیت منابع اسلامی آشکار گردد.

شمار مسلمانان در روسیه چقدر است؟

دقیقاً نمی‌دانم اما منابع گوناگون ارقام مختلفی را ارائه می‌دهند. فکر کنم بین ۱۲ تا ۱۵ درصد از جمعیت روسیه که بالغ بر بیست میلیون نفر است مسلمان‌اند.

چقدر از جمعیت مسلمانان شیعه است؟

به نظرم ده درصد از جمعیت روسیه شیعه باشند و بیشتر شیعیان علوی هستند که برخی از این شیعیان روسی و برخی مهاجرند. در مسجد سن پترزبورگ نیز شیعیان حضور دارند. به جرأت می‌توانم بگویم که مسجد سن پترزبورگ زیباترین مسجد است که درست در وسط شهر قرار دارد. یعنی مرکز شهر سن پترزبورگ بنای مسلمانان است و این مسجد به شیعه و سنی متعلق است.

کدام یک از مذاهب اسلامی در روسیه بیشترین معتقدان را دارند؟



رشته تحریر درآوریم در حالی که آن را ننشیده باشیم. نوشتن کتاب درباره قرآن و امکان شنیدن آن را مهیا نکردن، غیرممکن است. بدین ترتیب سؤالی برای من مطرح است سنت قرائت در میان مسلمانان روسیه چیست؟ این لوح فشرده که تهیه شده قدم اول است. پیامدهای آن سنت مسلمانان آسیای میانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فکر می‌کنید که قرآن در روسیه تأثیر داشته است؟

اول از همه باید مثالی بیاورم. پوشکین شاعر بزرگ روسی در میان اشعار جاودانه‌اش، ترجمه‌هایی از قرآن دارد با معیارهایی از مکتب اهل سنت در ایران. کسی تا به حال نگفته است که این ارتباط پوشکین با قرآن چیست البته مردم روسیه این ارتباط را با مکتب خود در می‌یابند، اما دوست دارم بدانم که قرآن و آثار اسلامی چگونه فرهنگ روسیه را تحت تأثیر قرار داده است. در حالی که میراث اسلامی با میراث روسی همخوانی ندارد. ناگفته نماند که ما در روسیه سنت بی‌همتایی برای همزیستی با مواریت مذاهب دیگر داریم و این نه تنها شامل اسلام بلکه شامل مذاهب مسیحی نیز می‌شود.



شما ظاهراً شاگرد پروفیسور گرزوویچ بوده‌اید. ممکن است درباره ایشان و عقایدش قدری توضیح دهید.

سؤال بسیار خوبی است. زیرا وی نقش بسیار بزرگی در زندگی من داشته است. ایشان استاد من بود و متأسفانه چند سال پیش بر اثر تصادف اتومبیل درگذشت. او محقق بود که درباره موضوعات بسیاری مطالعه کرده بود. اگر در حال حاضر زنده بود، با موقعیتی که داشت هیچ‌کس حتی نیم‌نگاهی به نوشته‌های من نمی‌کرد. او ذهن و علاقه‌اش را در پهنه‌های وسیعی سوق داده بود و چنان که مشهور است به یمن رفت و مطالعات قرآنی خود را در آنجا پی‌گرفت و با پروفیسور کرچکفسکی آشنا شد. در حضرات‌الموت نمایشگاه بزرگی برپا کرد که در آن انسان‌شناسان، نحویون و پژوهشگران در فرهنگ عامه در آنجا گردآمدند. او در میان آنان به دنبال مطالعه و تحقیق و رسیدن به اهداف مطالعات قرآنی خود بود. وقتی به پروفیسور کرچکفسکی پیوست. در حقیقت وظیفه‌اش انتشار ترجمه قرآن بود. وی این کار را با همراهی استادان دیگر انجام داد و در عین حال قرآن را به عنوان منبعی تاریخی مورد توجه قرار داد و بسیاری از جزئیات تاریخ عرب و اسلام را در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم

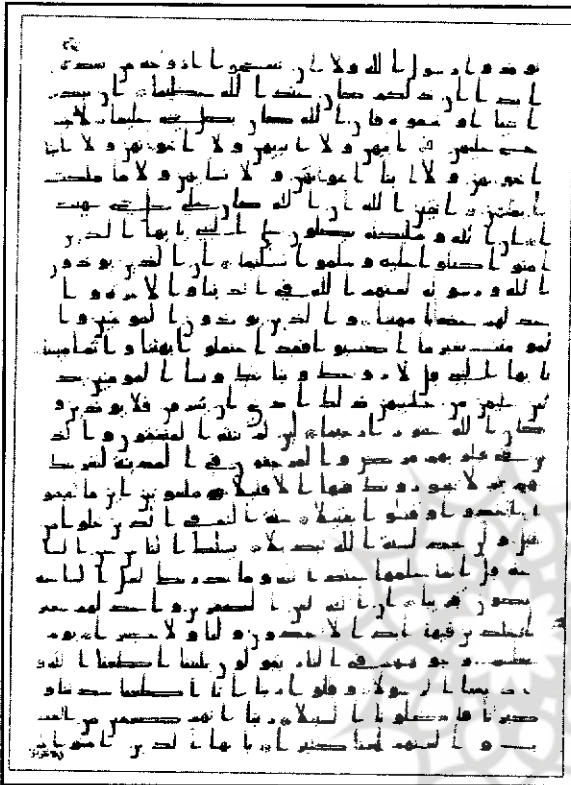
در حال حاضر این فضا از بین رفته است اما خوشبختانه کتاب‌های آن روزها در کتابخانه ما وجود دارد. بیشتر این کتاب‌ها را مطالعه کرده‌ام و از آنها بهره برده‌ام. یکی از مهم‌ترین وظیفه‌هایی که فضای تحقیقی روسیه برای محققان مطالعات اسلامی به انجام رساند توزیع مواریت و تاریخی است که امروز در آثار ما وجود دارد و من تلاش کردم در پژوهش‌های خود این وظیفه را برای خود فرض بدانم.

قازان در تاتارستان یکی از شهرهای مهم اسلامی بود، وضع این شهر در تغییرات دوره شوروی چگونه بوده است؟

چگونه بگویم، زبان قازان در دوره شوروی تاتاری بود و حتی نامه‌های اداری به همین زبان بود. و تحصیل‌کردگان تاتار به زبان تاتاری تحصیل می‌کردند. این مسئله مشکل ایجاد کرد، زیرا دانشگاه‌ها به زبان روسی بود و در نتیجه، کسانی که می‌خواستند به دانشگاه بروند توانایی قبولی در امتحان ورودی دانشگاه را نداشتند. بدین ترتیب کم‌کم مردم بچه‌های خود را به مدرسه‌هایی فرستادند که در آن زبان روسی تدریس می‌شد و مدرسه‌هایی که به زبان تاتاری بود یکی بعد از دیگری تعطیل شدند. در حال حاضر فقط یک مدرسه به زبان تاتاری است و مدرسه‌های دینی نیز در آنجا به همین متوال تعطیل شدند.

آثار اسلامی در این شهر چه وضعی داشته و دارد؟

وقتی درباره فضای فرهنگی و اسلامی در نخستین سال‌های انقلاب روسیه صحبت می‌کنم، تاتارستان و قازان را بیشتر در نظر دارم. در خشونت‌هایی که روی داد فعالیت این شهرها متوقف شد منتهی مردم خود سعی کردند فضای فرهنگ اسلامی را حفظ کنند. برای مثال، دو هفته قبل از آنکه به ایران سفر کنم شنیدم که نوه یکی از محققان بزرگ تاتار، در مسابقه حفظ و ترجمه قرآن به زبان تاتاری که در سن پترزبورگ برگزار شده بود، شرکت داشت. ترجمه قرآن به زبان تاتاری کار بسیار مهمی است و ما سعی داریم مشکلات این کار مرتفع شود. مثال دوم، هنگامی که کتاب قرآن و دنیای آن به اتمام رسید تاتارها پیشنهاد می‌کردند که بخشی از این کتاب به قرائت اختصاص داده شود. لوح فشرده (سی‌دی) آن تهیه شود. چرا که نمونه‌های آهنگین قرآن را می‌توان در آن یافت. یکی از دوستان لبنانیمن آن را ساخت و شکل قرائت‌های قرآنی در لبنان مشخص شد و مقاله کوتاهی درباره ابداع و منکرات نوشت که آن را ترجمه کردم و در متن کتاب خود استفاده نمودم. چگونه می‌توانیم اثری را به



بعد از رحلت پیامبر توضیحات و تفاسیر قرآنی یا ارجاع به احادیث و تفاسیر حضرت انجام می‌شد. چنان که می‌دانید مسلمانان به شنیده‌های خود از اولین راوی استناد می‌کردند.

در حالی که بسیاری از این روایان را نمی‌شناسیم و فقط به نوشته‌ها باید اکتفا کنیم. در نتیجه قرآن در حصار این‌گونه روایات قرار دارد. بخصوص اطلاعات و دانشی که پیرامون قصص الانبیا است و کسانی که برای آن تصویرگری می‌کردند. نمی‌دانم چرا متن قرآن اطلاعات کافی در این باره ارائه نمی‌دهد، اما کم‌کم قرآن به مصر، سوریه و ایران آمد و مردم این مناطق اسرار تاریخی را با ترکیب‌آمیزه‌های اعتقادی و دریافت‌های خود روایت کردند. یافتن اندیشه‌های مسلمانان نخستین درباره این مسئله بسیار دشوار است. برای مثال نوع دریافت و تفسیر عرب صحراگرد از این دانش قرآنی کاملاً از دریافت یک شهری متفاوت است. در نتیجه برخورد این اندیشه‌ها تفاسیر مختلف از متن ارائه می‌شود. قرآن کتاب سترگی است و وجوه گوناگونی دارد و آنچه در تفسیر قرآن برای ما مهم است دانستن تاریخ واقعی قرآن است و زبان ربیبی در این موارد گویاست. ثانیاً او خیلی خوب می‌نویسد و در نوشته‌هایش بین اعتقاد مذهبی و اعمال مذهبی توازنی وجود دارد که مسلمانان و مسیحیان را قادر به خواندن آن می‌سازد. مسلمانان او را محقق فهمیم می‌دانند و او هیچگاه ضداسلام چیزی ننوشته است.

میلادی، از قرآن استخراج کرد.

وی من را به عنوان دانشجوی دکتری پذیرفت و تمام علایق خود را نسبت به قرآن به من منتقل کرد و من سعی کردم در مطالعه قرآنی پیرو او باشم. او یمن را مورد مذاقه قرار داد و درباره پیچیدگی‌های پژوهش‌های قرآنی یمن مطالعه کرد. او سه ماه در یمن بود که در تمام این مدت کار می‌کرد و نتیجه کارش از نظر کیفیت تحقیقی بسیار بالا بود. خوشحالم که او راهنمای من بود، هرچند که نتوانست کتاب قرآن و دنیای آن را بخواند. اما خوشحالی من از آن است که آنچه به آن رسیده‌ام، به واسطه توضیحاتی که او اول بار درباره اهمیت قرآن برای من بیان داشت و این کتاب آسمانی را به عنوان منبع تاریخی، ادبی و بطن آنچه در متن تاریخ اتفاق افتاده است معرفی کرد.

چنان که شنیدیم شما پرفسور ونزبرو و اندرو ربیبی را می‌شناسید. ممکن است نظر آنان را درباره منابع اسلامی توضیح دهید؟

باید بگویم که پرفسور ونزبرو را فقط از طریق آثارش می‌شناسم، اما ربیبی را شخصاً مدت‌هاست که می‌شناسم. چنان که می‌دانید در سال ۱۹۸۰ م. پرفسور ونزبرو اندیشه‌ای را در میان محققان غربی درباره تاریخ قرآن آشکار ساخت. وی آنچه را در منابع ادبی موجود بود، تجزیه و تحلیل کرد و دریافت که گواه کافی برای بی‌اهمیت جلوه دادن سنت اسلامی در اولین متن قرآن وجود ندارد. کتابی در این مورد نیز نوشته است تحت عنوان منابع مطالعات قرآنی. جان مقدن، محقق انگلیسی منابع مشابهی مانند منابع ونزبرو به کار برد. اثر وی اندکی بعد از ونزبرو به چاپ رسید. کار ونزبرو و جان مقدن خیلی نزدیک به هم است زیرا منابع تفسیر یکسان است، اما آنچه در ذهن من بود، راهی متفاوت است. ما برای این کار یک راه داریم و آن بازگشت به نسخ خطی است و خوشبختانه در صنعا مجموعه بزرگی از نسخ خطی قرآنی قرون اولیه بازیابی شد. گروه محققان فرانسوی، آلمانی که بر روی نسخه‌های خطی یمن کار می‌کردند. این مجموعه را یافتند و با مقایسه با مجموعه‌های دمشق و استانبول گواه جدیدی برای تاریخ قرآنی یافتند؛ امروز می‌توانیم دست کم یک موضوع را قطعی بدانیم و آن اینکه وقتی پیامبر اکرم (ص) وفات یافت، منابع قرآنی در متن قرآن زنده ماند. این شکل، با تاریخ زبان عربی پیوسته است و این راه‌آورد بیست سال تحقیق در اروپای غربی و روسیه است.

در نظر من اندرو ربیبی یکی از افراد مطرح در حوزه مطالعات تفسیری قرآنی در سده‌های میانه است. در حقیقت این موضوع یعنی تفسیر قرآن، موضوع بسیار مهمی است. از همان آغاز، پیامبر اکرم (ص) خود اسرار آیات نازل شده را برای اصحاب توضیح می‌داد و اگر کسی سؤالی داشت پاسخ می‌گفت. این شیوه جزء سنت تفسیری است و